



گفت‌وگو با دکتر حسین فتاحی معصوم
در باره نقش محوری جلسات تفسیر مسجد امام حسن (ع)
در بیداری سیاسی دانشجویان مشهد

چگونه «تفسیر آقا» بن بست های فکری را شکست؟



در خورتوجه بوده است. ایشان در جلسات قرآنی که برگزار می‌شد، حضور فعالی داشتند و نوجوانان و جوانان را به تلاوت قرآن توصیه می‌کردند و حتی تشویق‌های بسیاری می‌کردند. ایشان توسط ساواک ممنوع شده بودند که در جلسات مذهبی و مردمی شرکت کنند، اما باز هم با سختی‌های فراوان در این جلسات شرکت می‌کردند. در جلسه‌ای که در مسجد جامع گوهرشاد تشکیل شد، استاد ابوالعینین شعیش از مصر به مشهد دعوت شده بودند برای تلاوت در جوار حرم امام رضا (ع).

قاریان مختلفی دعوت شده بودند؛ از جمله استاد فاطمی، مرحوم استاد اوحدی، مرحوم استاد نازدار و بنده و عده‌ای دیگر. من در همان جلسه به این نظر رسیدم که شعری برای این جلسه بسرایم. کاغذ و قلمی پیدا کردم و شروع به نوشتن شعر کردم.

مژده ای دوست که دلداده ما باز آمد
از بر نیل به سرچشمه اعجاز آمد
طائر قدس فلک بال زنان از فردوس
امشب اینجا به تماشا و به پرواز آمد
بلبل نغمه سرایی ز سوی گلشن مصر
با صدای ملکوتی ش به صد ناز آمد

فخر قراء جهان، مظهر تجوید و بیان
ابوالعینین شعیش مع اعزاز آمد
وقتی شعر را به مسئولی که از تهران آمده بود، نشان دادم، متعجب شد و از من پرسید همین الان این شعر را سرودی؟! گفتم: بله، سپس رفتم و این شعر را خواندم. بعد متوجه شدم که آیت... خامنه‌ای قصد شرکت در این جلسه را نداشتند، اما از علاقه زیادی که به جلسات قرآن داشتند، به کفشداری داخل رفته بودند و از آنجا تلاوت‌ها را گوش می‌دادند. این توجه بسیار زیاد ایشان را به امر تلاوت نشان می‌دهد. جلسات سالانه اول ماه رمضان که در محضر ایشان تشکیل می‌شد، توجه بیش از پیش ایشان به تلاوت قرآن و مسائل مربوط به آن را نشان می‌داد. هر سال قاریان مختلف در محضر ایشان به تلاوت قرآن می‌پرداختند.

حضرت عالی آخرین بار چندسال پیش در محضر ایشان حضور داشتید؟

از تهران با بنده تماس گرفتند و گفتند: آقا سراغ شما را گرفته‌اند و فرموده‌اند ایشان کجا تشریف دارند و خواسته‌اند ان شاء... امسال به جلسه تشریف بیاورید تا از شما استفاده کنیم. بنده نیز توفیق حضور پیدا کردم و در آن جلسه شعری را درباره این محفل سرودم. قرار شد بخوانم، اما به دلیل ضیق وقت توفیق نشد. فقط دو بیت از شعر را خواندم. بعد که برای دست بوسی به محضر ایشان رفتم، فرمودند چرا شعرت را نخواندی؟ گفتم وقت کم بود، ان شاء... تقدیم می‌کنم.

لطفا خاطره‌ای شیرین از این سفرها برایمان بازگو کنید.

در یکی از سال‌ها به اتفاق بعضی دوستان به کشور چین سفر کردیم. برنامه‌های پرشور و متنوعی در آن کشور داشتیم. در یکی از محافل که عده زیادی برای استماع تلاوت ما به آنجا آمده بودند، پس از تلاوت بعضی دوستان، به فکرم رسید که برای این محفل شعری بگویم. کاغذ و قلمی پیدا و شروع به نوشتن شعر کردم و سپس خواندم:

امشب به دل هوا و به سر شور دیگر است
این محفل از گلاب ولایت معطر است

این محفل بزرگ در این جایگاه قدس
یادآور شجاعت سالار کوثر است
وقتی شعرم به اینجا رسید، به حضاران توضیح مختصری دادم که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: انقلاب ما انقلاب اکبر است. مردم ما از این عبارت قدسی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات استفاده بسیاری می‌کردند.

در ادامه شعرم را خواندم که:
یاران به نام رهبر محبوب انقلاب

یاد امام را حلیمان کز جهان سراسر است
یاد دلیرمردم ایران قهرمان

با عزم آهنین که ز سلمان و بوذر است
جانا برای عزت ایران و مسلمین

اینک زمان گفتن!... اکبر است
مردم از این شعر به وجد آمدند و با صدای بسیار بلند تکبیر گفتند. عطر معطر انقلاب اسلامی و شور و هیجان مردم فضای محفل را پر کرده بود. تشویق حضار خستگی ما را از بین برد. پس از جلسه، مردم استقبال بسیار زیادی از ما کردند.